

قتل مادر خوانده در توهم مصرف گل

«پس از مصرف گل صدایی به گوشم می‌رسید و به من می‌گفت مادر را بکشم و موضوع را تمام کنم.» این ادعای پسر جوانی که در توهم مصرف مواد مخدر گل مادر خوانده‌اش را به قتل رسانده بود.

به گزارش جوان، ساعت ۱۰:۳۰: بامداد یک‌شنبه دهم آذرماه مأموران کلانتری ۱۲۱ سلیمانیه تلفنی به قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند، زن میانسالی در خانه‌اش به طرز مرموزی به قتل رسیده‌است. مأموران اعلام کردند دقایقی قبل مردی با اداره پلیس تماس گرفته و اعلام کرده همسرش در خانه‌شان با ضربات چاقو به قتل رسیده‌است. پس از اعلام این خبر باز پرسر جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی داخل بالکن طبقه‌چهارم ساختمان مسکونی در خیابان دهم فروردین حوالی محله سلیمانیه با جسد غرق به خون زن ۱۵ساله‌ای به نام گوهر روه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌بود. شوهر مقتول به مأموران گفت: من و همسرم سال‌ها قبل با هم از دواج

کیهان چند سال داری؟

من ۲۲ ساله هستم.

خبر داشتی که مقتول، مادر واقعی شما نبود؟

نه، تا زمانی که دستگیر نشده بودم از این موضوع بی‌خبر بودم.

یعنی به شما نگفته بودند؟

نه، آنها آنقدر با من مهربان بودند و آنقدر به من توجه داشتند که هیچ‌کسی فکر نمی‌کرد، من فرزند خوانده آنها باشم. پدر و مادرهم هیچ چیزی در دنیا برای من کم نگذاشتند و مرا به دانشگاه فرستادند و طول این سال‌ها تنها چیزی که به‌فکرم نمی‌رسید این بود که من بچه آنها نباشم، اما امروز مأموران به من گفتند که پدر واقعی آنها نیستم.

چه رشتنهای خواندی؟

فوق‌دیپلم نقشه‌کشی صنعتی از دانشگاه دارم.

چرا مادر ت را به قتل رساندی؟

اعتیاد به مواد مخدر دارم و روز حادثه توهم داشتم.

چه موادی مصرف می‌کنی؟

معتاد به مواد مخدر گل هستم و جدیداً هم موادی به نام غنچه

مصرف می‌کنم که شبیه گل است.

چرا معتاد شدی؟

دو سال قبل در مهمانی یکی از دوستانم به من تعارف کرد و برای اینکه پیش دوستانم کم نیارم مصرف کردم و معتاد شدم.

با مادر ت اختلاف داشتی؟

نه، او به خاطر دلسوزی مادرانه‌ای که داشت گاهی با من مشاجره لفظی می‌کرد.

بیشتر توضیح بده؟

من از پدرم خواسته بودم که سرمایه‌ای در اختیارم قرار دهد که با آن در آمد کمپ کنم که برای من مغازه‌ای خرید و آنجا را موبایل فروشی کردیم اما من بیشتر با دوستانم تودم و مغازه همیشه بسته بود که پدرم مرا از مغازه بیرون کرد و در مغازه را بست. بعد از آن همیشه مادرم مرا نصیحت می‌ت می‌کرد که دنبال

کردیم اما از آنجایی که بچه دار نمی‌شدیم پسر بچه دوساله‌ای را از شیرخوار گاه به فرزندی گرفتیم و اسم آن را کیهان گذاشتیم. سال‌هاست ما سه‌نفر در این خانه زندگی می‌کنیم تا اینکه ساعت ۱۰ شب وقتی به خانه آمدم، پسرم کیهان که معتاد به مواد مخدر است داخل پارکینگ نشسته بود و گفت قصد دارد اعتیادش را ترک کند و از من خواست او را به کمپ ببرم و آنجا بستری کنم. به او گفتم فردا در فرصت مناسب با هم به کمپ ترک اعتیاد می‌رویم، اما کیهان اصرار داشت و در نهایت من و کیهان با موتورسیکلتش راهی کمپی در نزدیکی خانه‌ها شدمیم.

پس از ساعتی صحبت درباره نحوه بستری و هزینه آن به توافق رسیدیم و قرار شد کیهان فردا در کمپ بستری شود. سپس ما از کمپ بیرون آمدیم و به خانه برگشتیم که کیهان جلوی در آبار تمان در حالی که دست و پایش می‌لرزید و هراسان به نظر می‌رسید به من گفت که فردی را به قتل رسانده‌است و سپس سوار موتورسیکلتش شد و به سرعت دور شد. پس از آن وارد خانه شدم که دیدم فرش‌ها

خیس است و هر چقدر همسرم را صدا زدم جواب نداد. به اتاق خواب رفتم اما خبری از همسرم نبود و همسایه‌ها هم از او خبری نداشتند که تلفنی موضوع را به خواهرم اطلاع دادم و دقایقی بعد خواهرم به خانه‌مان آمد و جسد همسرم را در حالی که داخل ملاقاتی پیچانده شده‌بود، در بالکن خانه پیدا کرد که موضوع را به مأموران پلیس اطلاع دادیم. وی در پایان گفت: من احتمال می‌دهم کیهان مادرش را به قتل رسانده و فرار کرده است.

هم‌زمان با انتقال جسد مقتول به پزشکی قانونی مأموران به دستور بازپرس ویژه قتل کیهان را به عنوان مظنون به قتل تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه ظهر دیروز یازدهم آذرماه متهم را در حالی که در حوالی منطقه محلاتی با موتورسیکلتش پرسه می‌زد، دستگیر کردند.

سرهنگ کارآگاه علی گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران گفت: متهم پس از اعتراف کارآگاهان مادرش به دستور قاضی مرادی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

شده را بشویم و جسد را به بالکن ببرم کسی متوجه قتل نمیشه

بعد چه کار کردی؟

ساعتی بعد به حالت عادی برگشتم و ۳ ساعت بالای سر جسد مادرم گریه کردم و بعد با پدرم تماس گرفتم و گفتم به خانه بیاید و مرا برای ترک به کمپ ببرد.

چرا کمپ؟

نمی‌دانم.

چرا فرار کردی؟

خیلی در سیده بودم و به همین خاطر فرار کردم و شب را در حرم شاه‌عبدالعظیم خوابیدم و صبح به پارکی رفتم و تا نزدیکی ظهر هم سوار موتورم بودم که مأموران مرا دستگیر کردند.

حرف آخر؟

من پدر و مادرم را خیلی دوست داشتم الان هم خیلی پشیمان هستم وای کاش من نمی‌کشیدم و الان در کنار مادرم بودم.

کار بروم و بعد از دواج کنم و همین موضوع باعث می‌شد که با هم مشاجره داشته باشیم.

گفتی که به خاطر اعتیاد و توهمی که داشتی مادر ت را به قتل رساندی، توضیح بده؟

آن روز صبح مادرم بعد از اینکه به من صبحانه داد برای کاری از خانه بیرون رفت و من هم تا ساعت ۱۵:۳۰ در خانه بودم و بعد بیرون رفتم و مقداری گل خریدم و مصرف کردم. ساعت ۱۷:۳۰ به خانه برگشتم که مادرم قهپید من مواد مصرف کرده‌ام و با من مشاجره لفظی کرد. او از اینکه من با دوستانم ولگردی می‌کردم و دنبال کار نبودم ناراحت بود. در حالی که باهم مشاجره می‌کردیم صدایی به گوشم رسید که به من می‌گفت او را بکشم و موضوع را تمام کنم. آنقدر این صدا در مغزم تکرار شد که با چاقویم در آشپزخانه به مادرم حمله کردم و او را به قتل رساندم.

چرا جسدش را به بالکن بردی؟

همان صدا به من گفت اگر آشپزخانه و فرش‌هایی که خونی

عامل قتل در خانه فساد محاکمه شد



مرد جوانی که در جریان درگیری در خانه فساد مر تکب قتل شده‌است روز گذشته در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش جوان، ۱۶ اردیبهسل ۹۶، مأموران پلیس ورآمین از مرگ مشکوک شهرام ۲۹ساله در یکی از بیمارستان‌های شهر باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد، شهرام در جریان درگیری با چند

نفر از دوستانش با اصابت ضربه چاقوی حسن ۲۸ساله مجروح شده و بعد از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت خون‌ریزی فوت کرده‌بود. تلاش‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه حسین در شب چهارم مقتول شناسایی و دستگیر شد. او با اقرار به جرمش در شرح ماجرا گفت: «در یکی از روستاهای ورآمین خانه فساد بود. آن شب با مقتول و

چند مرد و زن دیگری آنجا بودیم و همگی مشروب خوردیم. من کنار مقتول نشسته بودم که پرسید فلائی پشت سرش حرف زده‌است. گفتم چیزی نشنیدم بعد با یکی از دوستان بحث کرد و همین باعث شد درگیری بین چند نفر شد. در آن درگیری یکی از دوستانم که رض‌نام دارد چاقویی که در اتاقی بود را دستم داد و من با چاقو به مقتول ضربه زدم. باور کنید قصد کشتن او

را نداشتم.» با اقرارهای متهم، حسن به اتهام قتل عمد و رضا به اتهام معاونت در قتل راهی زندان شدند و پرونده بعد از صدور کیفرخواست به شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. صبح روز گذشته پس از اینکه قاضی کشکولی رسمیت جلسه را اعلام کرد، مادر مقتول در جایگاه ایستاد و نشان دادن عکس فرزندش گفت: «سه‌سال قبل از حادثه شوهرم به خاطر بیماری سرطان خون فوت کرد و شهرام مشغول دامداری شد. زندگی بعد از مرگ پدرم برایم خیلی سخت است. برای قاتلش در خواست قصاص دارم.»

در ادامه حسن در جایگاه ایستاد و در حالی که در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرده‌بود، گفت: «قتل را قبول ندارم. آن شب همه افرادی که در آن خانه بودند مشروب خورد بودند. نمی‌دانم چه کسی به مقتول ضربه زده‌است.» او بعد از قرائت اظهارات و گواهی شاهدان حادثه بار دیگر جرمش را انکار کرد و گفت: «آن شب در حال خودم نبودم و از درگیری چیزی به یاد ندارم.» سپس رض‌نای جرمش را انکار کرد و گفت: «آن شب من در اتاق بودم. وقتی از آنجا بیرون آمدم، دیدم مقتول چاقو خورد‌است. من چاقو را در دست متهم ندادم.» در آخر هیئت قضایی وارد شور شد.

پیرمرد خطاکار به پرداخت دیه و زندان محکوم شد



بدبینی‌هایش زندگی همه ما را سیاه کرده است. حالا هم با تهدید توانسته است رضایت برادرانم را بگیرد. شنیده‌ام که گفته است دخترانم برای گرفتن حقوقم در خواست

قصاص داده‌اند! نمی‌توانم از خون مادرم بگذرم. آزادی پدرم برای ما تهدید است.» «بازنشسته شرکت واحد بودم به همین دلیل ساعت‌های زیادی در خانه بودم تا اینکه به رفتارهای همسرم مظنون شدم. او بی‌اجازه از خانه بیرون می‌رفت و مدام سرگرم گوشی همراهش بود. این شد که تصمیم گرفتم با او صحبت کنم تا اینکه روز حادثه سوار ماشین شدم و با هم حوالی ورآمین رفتم.» متهم ادامه داد: «طراف یکی از زمین‌های کشاورزی از ماشین پیاده شدم اما بحث بین ما بالا گرفت و همسرم در حالت عصبانی می‌خواست از من دور شود که ناگهان درون چاه افتاد.»

او در خصوص اظهارات قبلی‌اش گفت: «با دیدن آن صحنه عذاب وجدان داشتم و خودم را گنهکار می‌دانستم به همین دلیل قتل را پذیرفتم. باور کنید همسرم راهل ندادم.»

در پایان هیئت قضایی متهم را از قتل عمد تبرئه و به اتهام قتل شبه عمد به پرداخت دیه و سه‌سال حبس محکوم کرد.

۹ میلیون تماس با ۱۱۰ تهران در ۸ ماه

معاون عملیات پلیس پایتخت اعلام کرد که از ابتدای سال ۹۸ تا پایان آبان ماه حدود ۹ میلیون تماس با سامانه ۱۱۰ پایتخت صورت گرفته‌است.

به گزارش جوان سردار پرویز یعقوبی بیش از ۴ میلیون از این تماس‌ها عملیاتی شده است و در کل تماس‌های صورت گرفته حدود ۴ میلیون تماس در خصوص دریافت اطلاعات و راهنمایی از پلیس شامل مشاوره خانواده و حقوقی، استعمال خودرو و موتور سیکلت سرقتی، گمشدگان و بازداشتی‌هاست.

سردار یعقوبی با اشاره به اینکه در هر ۳ ثانیه یک تماس با مرکز فوریت‌های پلیس پایتخت انجام می‌شود، ادامه داد: سامانه ۱۱۰ برای رسیدگی به فوریت‌های پلیسی است، بنابراین از شهروندان در خواست می‌شود از تماس‌های غیر ضروری خودداری کنید

کشف سکه‌های اشکانی در مانه

فرمانده انتظامی شهرستان مانه و سملقان در استان خراسان شمالی از کشف ۹۸ عدد سکه عتیقه مربوط به دوره سلوکی و اشکانی در این شهرستان خبر داد.

به گزارش جوان، سرهنگ علی حسین رختیانی گفت: مأموران پلیس آگاهی این شهر در جریان بررسی گزارش‌های مردمی از فعالیت یک قاچاقچی مواد مخدر و عتیقه با خبر شدند و هم‌زمان با دستگیری متهم در بازرسی از مخفیگاه وی ۹۸ عدد سکه عتیقه که به طور ماهرانه‌ای مخفی کرده‌بود کشف شد.

وی ادامه داد: بازر نظر کارشناس میراث فرهنگی قدمت سکه‌های کشف شده مربوط به دوره سلوکی و اشکانی است.

مرگ رهگذر

در بی احتیاطی راننده تپیا

بی احتیاطی راننده تپیا هنگام عبور از خیابان شقایق مرگ مردی رهگذر را رقم زد.

به گزارش جوان، سرهنگ احسان مؤمنی رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت گفت: این حادثه بامداد روز گذشته در غرب به شرق خیابان شقایق مقابل میوه‌تره بار مرکزی اتفاق افتاد. وقتی مأموران پلیس راهور در محل حاضر شدند مشخص شد رهگذر که مردی ۵۵ساله بود به علت شدت جراحت در دم جان باخته است. سرهنگ مؤمنی علت حادثه را بی‌توجهی راننده به جلو و نداشتن سرعت غیر مجاز اعلام کرد.

مرگ مشکوک پسر جوان

پس از پایان خدمت

پسر جوانی در روز پایان خدمت سربازی‌اش به‌طور مشکوکی در یکی از ایستگاه‌های اتوبوس شرق تهران به‌کام مرگ رفت. تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این حادثه از سوی پلیس ادامه دارد.

به گزارش جوان، عصر روز یک‌شنبه دهم آذرماه مأموران پلیس تهران با تماس تلفنی شهروندی از مرگ مشکوک پسر جوانی در یکی از ایستگاه‌های اتوبوس حوالی شرق تهران با خبر و راهی محل شدند. مأموران در ایستگاه اتوبوس با جسد پسر ۲۰ساله‌ای به نام پیمان روه‌رو شدند که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته‌بود. یکی از شاهدان عینی گفت: داخل ایستگاه نشسته بودم و این پسر جوان هم در نزدیکی من منتظر اتوبوس بود. به نظر می‌رسید حالش خوب نباشد که ناگهان نقش بر زمین شد. بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم اما او فوت کرد.

بررسی‌های مأموران نشان داد پیمان امروز آخرین روز خدمت سربازی‌اش بوده که از یادگان ترخیص شده‌است. مأموران همچنین در بازرسی بدنی از پسر فوت شده دست‌نوشته‌ای را از داخل جیب شلوارش پیدا کردند که نوشته بود «به عشقم نرسیدم و...» هم‌زمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه جسد پسر جوان به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مرگ خاموش مرد میانسال

مرد میانسال در حادثه گاز گرفتگی در گلدشت کرج جان باخت.

به گزارش جوان، مأموران کلانتری ۴۱ خرمدشت پس از حضور در محل متوجه شدند بر اثر نشت گاز دو نفر دچار سمومیت و گاز گرفتگی شده‌اند که یک نفر از آنها که مردی ۴۵ساله بوده فوت کرده‌است و نفر دوم به بیمارستان منتقل شد.



قاتل: فکر می‌کردم مقتول خیانت کرده‌است

مردی که متهم است پس از طلاق همسر دومش وی را با شلیک گلوله به قتل رسانده در جلسه دادگاه مدعی شد با تصور این‌که مقتول مر تکب خیانت شده دست به جنایت زده است.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از ۲۴ اسفند۹۷ و با قتل زنی جوان در شهرستان یزدآباد به جریان افتاد. با حضور پلیس مشخص شد زن جوان که متیرا نام داشت و معلم یکی از مدارس شهر بود، در حالی که پشت فرمان خودرو نشسته بود با شلیک گلوله به کام مرگ رفته است.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی، شوهر سابقش سلمان به عنوان مظنون بازداشت شد.

سلمان ۴۵ساله در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «میترا، زن دومم بود اما بعد از ماهی زندگی به خاطر اصرار هایش او را طلاق دادم. بعد از طلاق متوجه شدم او به من خیانت کرده‌بود، این شد تصمیم به قتل گرفتم و روز حادثه مقابل مدرسه‌ای که آنجا مشغول کار بود، رفتم و با شلیک گلوله او را کشتم.»

با اقرارهای متهم، وی روانه زندان شد و پرونده به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد. صبح دیروز پرونده روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی حشمتیان قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. سپس متهم در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «۱۲ سال از ازدواج با همسر اولم می‌گذشت و زندگی خوبی داشتم تا اینکه همسرم دچار بیماری ام‌اس شد. او دیگر توان انجام کارهایش را نداشت به همین دلیل خودش اجازه داد تا همسر دیگری اختیار کنم. میترا، معاون مدرسه بود. او از همسر اولش که پسرعمه‌اش بود با داشتن یک فرزند شش‌ساله جدا شده بود.

بعد از آشنایی او را سیفه کردم اما اصرار داشت عقد کنیم. سرانجام ازدواج کردیم و برایش یک ماشین و خانه خریدم.» متهم ادامه داد: «زندگی خوبی داشتم تا اینکه بهانه‌جویی‌های میترا شروع شد و در خواست طلاق کرد. او می‌گفت به خاطر فرزندش می‌خواهد به زندگی قبلی‌اش برگردد. هر چه التماس کردم قبول نکرد تا اینکه از هم جدا شدیم. چند ماه گذشته تا اینکه متوجه شدم او با پسر ۲۰ساله‌ای از آشنایان رابطه دارد و قصد ازدواج با او را داشت. وقتی ماجرا را فهمیدم شوکه شدم. به همین دلیل با او صحبت کردم و خواستم به زندگی‌اش برگردم اما بی‌فایده بود. میترا از من شکایت هم کرده بود تا دیگر مزاحمش نشوم! آنجا بود که تصمیم به قتل گرفتم.» متهم در خصوص قتل گفت: «روز حادثه مقابل مدرسه میترا رفتم. او با فرزندش سوار ماشینی بود که خودم آنرا را پیش خریدم.و این شد که با تبر شیشه ماشینی را شکستم سپس با شلیک گلوله او را کشتم.»

متهم در آخرین دفاعش گفت: «کلینیک ترک اعتیاد داشتم و معاون بهداشت در یکی از ارگان‌های نظامی بوم و حالا به خاطر کاری که کرده‌ام در خواست گذشت دارم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

مرگ خودخواسته گروگانگیر

پس از قتل گروگان

شروع مسلح که هنگام تعقیب و گریز با پلیس، دامادش را به گروگان گرفته‌بود، پس از قتل گروگان خود به زندگی‌اش پایان داد. به گزارش جوان، سردار خلیل واعظی، فرمانده انتظامی بوشهر گفت: روز گذشته مأموران پلیس با در دست داشتن حکم قضایی برای بازداشت یکی از اشرار مسلح راهی مخفیگاه وی در یکی از روستاهای دشتستان شدند. مأموران پلیس پس از محاصره کردن مخفیگاه متهم از وی خواستند خود را تسلیم پلیس کند.

با حضور فرمانده انتظامی شهرستان، مقام قضایی، روانشناس و مددکار اجتماعی پلیس در صحنه، عملیات روانی و گفت وگو با متهم جدی‌تر دنبال شد تا اینکه با پیشنهاد مادر متهم، داماد خانواده برای مذاکره راهی مخفیگاه متهم شد که متهم داماد خود را به گروگان گرفت و سپس به سوی پلیس آتش گشود و پس از شلیک صدها گلوله ابتدا داماد خود را به قتل رساند و سپس با شلیک گلوله به زندگی خودش هم پایان داد. از مخفیگاه متهم یک قبضه اسلحه کلاش، ۲۳۰ فشنگ جنگی و بیش از ۱۲۰ پوکه فشنگ شلیک شده از طرف متهم کشف شد.

بازداشت ۲ سوداگر مرگ

با شلیک گلوله

دو سوداگر مرگ در جریان تعقیب و گریز با پلیس مبارزه با مصاد مخدر تهران با شلیک گلوله بازداشت شدند و در بازرسی از خوددروی آنها ۹۰کیلو تریاک کشف شد. به گزارش جوان، سرهنگ محمد بخشنده، رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر پایتخت گفت: مأموران پلیس در جریان تحقیقات خود از انتقال محموله تریاک از شهری در جنوب به تهران با خبر شدند و خودروی پژو ریشای متهمان را در مسیر قم به تهران شناسایی کردند و به راننده فرمان ایست دادند. راننده امد بدون توجه به فرمان پلیس با فشار پدال گاز از محل متواری شد که مأموران در جریان تعقیب و گریز با شلیک گلوله لاستیک خودرو را هدف قرار داده و پس از توقف خودرو دو متهم را بازداشت کردند. مأموران پلیس در بازرسی از خودرو ۹۰کیلو و ۷۵۰گرم تریاک کشف کردند و دو متهم را به همراه پرونده تحویل دادرسان دادند.